

ظرفیت‌های نظم کنونی حقوق بین‌الملل در شناسایی مفهوم ژنوسید فرهنگی

علیرضا آرش پور *

مجید زحمتکش **

شناسه دیجیتال اسناد (DOI) : 10.22066/cilamag.2017.27970

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۱۰

چکیده

مفهوم یا نظریه ژنوسید فرهنگی که به تعبیری عبارت از امحای عمدی یادمان‌ها، هویت یا فرهنگ یک گروه، بدون حذف فیزیکی آن گروه است، هرچند در ماده ۳ پیش‌نویس کنوانسیون ژنوسید آمده بود، در متن نهایی به کلی حذف شد و انواع ژنوسید، به کشتن گروه‌های ملی، قومی، نژادی و مذهبی محدود شد. سایر اسناد بین‌المللی الزام‌آور و همچنین تا حدودی رویه‌قضایی بین‌المللی نیز تا کنون از پذیرش این مفهوم، سر باز زده‌اند. با وجود این، در جهان معاصر، جنایت‌ها و اعمالی دیده می‌شود که با بر پایه عوامل فرهنگی یا به قصد نابودی نشان‌ها و سنت‌های یک فرهنگ صورت می‌گیرد که در تعریف هیچ‌یک از جنایات بین‌المللی و از جمله ژنوسید فیزیکی گنجانده نمی‌شوند اما نزدیک‌ترین حالت به مفهوم ژنوسید فرهنگی یا نابودسازی فرهنگی هستند. بنابراین، نظر به انکارناپذیری برخی واقعیات جهان معاصر، این مقاله سعی دارد ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل کنونی را در شناسایی نظریه ژنوسید فرهنگی و در نتیجه، جرم‌انگاری اعمال صورت‌گرفته علیه فرهنگ یک ملت، بسنجد. این بررسی با نگاهی نوین صورت می‌گیرد که در نهایت به این نتیجه می‌رسد که هرچند حقوق بین‌الملل موضوعه معاصر، تاب پذیرش این نظریه را ندارد، می‌توان نشانه‌هایی از وجود زمینه‌های بروز این مفهوم را یافت.

واژگان کلیدی

ژنوسید، ژنوسید فرهنگی، فرهنگ، نابودسازی، جرم‌انگاری، اسناد الزام‌آور

* نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان

a.arashpour@ase.ui.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد

mid.zahmatkesh@hotmail.com

مقدمه

ژنوسید در حقوق بین‌الملل، یکی از سنگین‌ترین و فجیع‌ترین جنایات‌ها شناخته شده و برای مرتکبان آن مجازات تعیین شده است. این جنایت از حیث قصد و نیت خاص آن یعنی قصد نابودی یا هلاکت گروهی معین، از دیگر جرایم متمایز می‌شود. ژنوسید، آن‌گونه که در کنوانسیون ۱۹۴۸ ملل متحد در خصوص منع و مجازات جنایت ژنوسید آمده است، ممکن است بر مبنای عناصر ملی، قومی، نژادی یا مذهبی ارتکاب یابد و اعضای چنین گروه‌هایی را از طریق اقداماتی چون کشتن، ایراد صدمات شدید جسمی یا روحی، قراردادن آنان در معرض شرایط نامناسب زندگی، اقدامات تحمیلی به منظور جلوگیری از توالد و تناسل و انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر در معرض نابودی قرار دهد.

با نگاه به برخی رویدادهای جامعه جهانی در گذشته و حال، مشخص می‌شود که گاه اقداماتی برای نابودی یک گروه فرهنگی انجام می‌گیرد. این تمایز، نه در نژاد، نه ملیت، نه قوم و نه مذهب، بلکه صرفاً در فرهنگ است و این عمل را می‌توان ژنوسید فرهنگی نام نهاد. بر این اساس، ژنوسید فرهنگی می‌تواند دو چهره داشته باشد: الف) کلیه اقدامات فیزیکی را دربرمی‌گیرد که به منظور از بین بردن و نابودی فیزیکی یک گروه فرهنگی انجام شود؛ ب) در معنی دوم، بدون اینکه بحث کشتن فیزیکی گروه در بین باشد، هرگونه عملی به نیت نابودی کلی یا بخش اعظمی از یک فرهنگ را ژنوسید فرهنگی می‌نامند. در این حالت، بدون حذف فیزیکی گروه، افراد آن ارزش‌های فرهنگی موجود، محروم می‌شوند و یادبودهای ملی، کتابخانه‌ها، آرشیوها، موزه‌ها و گالری‌های هنری آن‌ها تخریب می‌شود.

مقاله حاضر، بیشتر به مفهوم دوم نظر دارد، چرا که کشتن و نابودی فیزیکی یک گروه فرهنگی را می‌توان تحت عناوین مجرمانه دیگر، قابل مجازات دانست. در واقع، این‌گونه اعمال، از آن جهت که بخشی از برنامه امحا و انقراض فیزیکی گروهی خاص بوده و با این قصد انجام می‌شود، همواره ممکن است جرمی به موجب حقوق بین‌الملل باشد.^۱ بنابراین، موضوع این مقاله، مفهوم دوم ژنوسید فرهنگی است. مقصود، زمانی است که یک گروه دارای چنان جمعیتی است که کشتار فیزیکی آن مقدور نیست. در این وضعیت، اشغالگران عموماً دست به ژنوسید فرهنگی می‌زنند و کاری را که نمی‌توانند در یک نسل با کشتار فیزیکی انجام دهند در طی چند نسل از راه ژنوسید فرهنگی و زبانی به سرانجام می‌رسانند و با نابودی فرهنگ یک گروه، اندک‌اندک، خود آن گروه را نابود می‌کنند.^۲ این همان مفهومی است که در ماده ۳ پیش‌نویس کنوانسیون منع ژنوسید وجود داشت.

1. *Prosecutor v. Krstić*, IT-98-33-T, Trial Chamber Judgment, 2 August 2001, para. 580.

2. Skutnabb-Kangas, Tove and Bucak Sertac, "Killing a Mother Tongue - How the Kurds Are Deprived of Linguistic Human Rights", in: *Linguistic Human Rights, Overcoming Linguistic Discrimination*. Ed. Tove Skutnabb-Kangas and Robert Phillipson in collaboration with Mart Rannut. Mouton de Gruyter, Berlin, 1994, pp. 347-370.

بنابراین، ژنوسید فرهنگی در این شکل عبارت است از امحای عمدی حافظه جمعی، هویت یا فرهنگ یک گروه، بدون حذف فیزیکی آن‌ها. این عمل، شامل حمله به نهادهای سیاسی و اجتماعی، فرهنگ، زبان، احساسات ملی، مذهب و موجودیت اقتصادی یک گروه است. این شکل از ژنوسید در متن نهایی کنوانسیون ژنوسید گنجانده نشد و در نهایت، جرم ژنوسید به «اقدام برای نابودی فیزیکی گروه» محدود شد. بنابراین، سؤال اصلی که این مقاله در صدد یافتن پاسخی برای آن است، سنجش امکان جرم‌انگاری و شناسایی ژنوسید فرهنگی در نظم نوین حقوق بین‌الملل، و رای کنوانسیون منع ژنوسید و بر پایه سایر منابع حقوق بین‌الملل و رویه و دکترین نوین است. به عبارت دیگر، آیا در شرایط فعلی حقوق بین‌الملل، امکان شناسایی ژنوسید فرهنگی به عنوان جرم قابل مجازات یا عمل خطای بین‌المللی که مورد مسئولیت باشد، وجود دارد یا خیر؟

مقاله پیش رو بر دو بخش اصلی استوار است. علاوه بر بخش نخست که به تعاریف و کلیات نظر دارد، محتوای اصلی مقاله بر دو بخش بنا نهاده شده است که ابتدا تحولات اخیر جامعه جهانی از نگاه امکان انطباق اعمال رخ داده با عنوان ژنوسید فرهنگی بررسی می‌شود و سپس در بخش پایانی، ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل کنونی در خصوص شناسایی ژنوسید فرهنگی با توجه به رویکردهای نوین و حمایتی سنجیده می‌شود.

۱. تبیین مفاهیم

۱-۱. مفهوم ژنوسید^۳

در سال ۱۹۴۸ در پی فجایع جنگ دوم جهانی و قساوت‌های نازی‌ها علیه میلیون‌ها یهودی، مجمع عمومی ملل متحد، کنوانسیون منع و مجازات جرم ژنوسید^۴ را تنظیم کرد تا تضمین کند که چنین اعمالی دیگر تکرار نخواهد شد و مرتکبان آن بی‌کیفر نخواهند ماند.

^۳ دلیل انتخاب واژه «ژنوسید» از این جهت بوده است که به نظر نگارندگان، معادل‌های فارسی این واژه یعنی عباراتی چون نسل‌کشی، نسل‌زدایی، قتل‌عام، کشتار جمعی و ... هیچ‌کدام آینه تمام‌نمای معنی واژه و منعکس‌کننده تمام جوانب آن نیست. بنابراین، لفظ «ژنوسید» گویاتر و به مقصود، نزدیک‌تر است. همچنین، تلفظ فرانسوی این واژه (ژنوسید) از آن جهت انتخاب شد که اولاً، از تلفظ انگلیسی آن یعنی «جنوساید» در زبان فارسی معمول‌تر و مرسوم‌تر است و ثانیاً، اصطلاح ناصحیح «ژنوساید» که ترکیبی از تلفظ انگلیسی و فرانسوی است، هیچ مبنای زبان‌شناختی ندارد. همچنین اضافه می‌شود که واژه ژنوسید از دو لفظ لاتین «ژنوس» (genos) به معنی «قوم»، «قبیله» یا «تیره» و کلمه «سید» (cide) به معنای «کشتن» تشکیل شده است و واژه ژنوسید به لحاظ واژه‌شناسی یعنی کشتن گروهی از مردم با علقه‌های طایفه‌ای، نژادی یا قومی مشترک.

Chehata, Hanan, *The Cultural Genocide of Palestine*, Published by Middle East Monitor, London, 2010, p. 4.

^۴ The Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, adopted by Resolution 260 (III) A of the United Nations General Assembly on 9 December 1948.

نخستین رد پای تعریف ژنوسید را می‌توان در آثار لمکین یافت که می‌گوید: «نابودی یک ملت یا یک گروه قومی» همراه با «برنامه هماهنگ‌شده‌ای از اعمال تبعیض‌آمیز به منظور نابودی بنیادهای اساسی زندگی گروه‌های ملی که به قصد اضمحلال خود گروه انجام می‌شود».^۵ تعریفی دیگر عبارت است از «نابودی عمدی کل یا بخشی از یک گروه اقلیت نژادی، جنسی، مذهبی، طایفه‌ای، قومی یا سیاسی، توسط یک دولت یا عوامل آن».^۶

از نظر حقوقی به موجب ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۴۸، ژنوسید به هریک از اعمال زیر که به منظور از بین بردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی صورت گیرد، اطلاق می‌شود: الف) کشتن اعضای یک گروه؛

ب) ایراد صدمات جدی جسمی یا روحی به اعضای یک گروه؛

ج) قراردادن یک گروه در معرض شرایط نامناسب زندگی که منجر به از بین رفتن قوای جسمی آن گروه، به طور کلی یا جزئی شود؛

د) اقدامات تحمیلی به منظور جلوگیری از تولد و تناسل یک گروه؛ و

هـ) انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر.

طبق ماده ۶ اساسنامه رم: «منظور از ژنوسید در این اساسنامه، هریک از اعمال مشروحه ذیل است که به قصد نابودی تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی از حیث همین عناوین ارتکاب می‌یابد:

الف) قتل اعضای یک گروه؛

ب) ایراد صدمه شدید به سلامت جسمی یا روحی یک گروه؛

ج) قراردادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت‌های نامناسب زندگی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود؛

د) اقداماتی که به منظور جلوگیری از تولد و تناسل یک گروه صورت گیرد؛ و

هـ) انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر».

۱-۲. مفهوم فرهنگ

نخستین کسی که فرهنگ را از تعریف کلاسیک آن خارج کرد و مترادف با تمدن به کار گرفت، مردم‌شناس انگلیسی، ادوارد تیلور بود که در سال ۱۸۷۱ فرهنگ را به‌عنوان مجموعه‌ای کامل، شامل دانش، عقاید، هنر، اخلاق، قانون، آداب و رسوم و توانایی‌هایی که بشر به‌عنوان عضوی از

5. Lemkin, Raphael, *Axis Rule in Occupied Europe: Laws of Occupation - Analysis of Government - Proposals for Redress*, Washington, D.C.: Carnegie Endowment for International Peace, 1944, p. 79-95.

6. Porter, J. N. (ed.), *Genocide and Human Rights, a Global Anthology*. Washington, DC: University Press of America, 1982.

جامعه آن‌ها را اخذ می‌کند، معنا کرد.^۷

در نگاه تیلور، فرهنگ یا تمدن، مجموعه‌ی درهم‌تنیده‌ای است که شامل دانش، دین، هنر، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت‌هایی است که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه، آن را کسب می‌کند.^۸ به این معنا انسان «بی‌فرهنگ» و جامعه «بی‌فرهنگ» وجود ندارد زیرا زندگی اجتماعی، یعنی باهم‌زیستن، به معنای در فرهنگ زیستن است. زیستن در ابتدایی‌ترین قبیله یا بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین جوامع پیشرفته، از این جهت یکسان است زیرا هر دو، زیستن در شرایط ویژه انسان است، یعنی زیستن در فرهنگ یا فضای فرهنگی، اگرچه هریک از سازمایه‌های فرهنگ، از نظر صورت و معنا یا سادگی و پیچیدگی، در جامعه‌های گوناگون با هم فرق‌های اساسی دارند.^۹

۱-۳. نظریه ژنوسید فرهنگی

هرچند کنوانسیون منع ژنوسید بر پایه‌های فکری *رافائل لمکین*^{۱۰} بنا نهاده شده است،^{۱۱} ملاحظه می‌شود که کنوانسیون مزبور، عنصر فرهنگ موجود در تعریف لمکین را در تعریف ژنوسید نگنجانده است.

نظریه ژنوسید فرهنگی، حکایت از این دارد که ژنوسید، تنها به معنی نابودی فیزیکی یک ملت نیست، بلکه علاوه بر آن، نابودی «بنیان‌های اساسی زندگی»^{۱۲} یک گروه نژادی را که به هدف نابودسازی خود گروه انجام شود نیز در بر می‌گیرد. این رویکرد از دید برخی با نگاه لمکین همخوانی دارد.^{۱۳} به‌طور کلی، عمل ژنوسید، مستقیماً علیه گروه ملی است اما اقدامات صورت‌گرفته همواره به‌طور مستقیم، افراد را به‌عنوان اعضای گروه، متأثر می‌کند. ژنوسید، حملات هماهنگ‌شده‌ای است

7. Tylor, Edward, *Primitive Culture: Researches into the Development of Mythology, Philosophy, Religion, Art, and Custom*, vol. 1, 6th edition, London, John Murry, Albemarle Street, W, 1920, pp. 1-3. Online complete text of book is available at: <https://archive.org/details/primitivculture01tylouoft> (last visited in: 15/02/2016).

8. *Ibid.*, p. 1.

۹. آشوری، داریوش؛ تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، آگاه، ۱۳۸۰، صص ۱۱۲-۱۱۳.

هرچند در باب تعریف فرهنگ، قلم‌ها زده شده و هر نویسنده و دانشمندی به فراخور دیدگاه خود آن را تعریف کرده است، آنچه تیلور بیان می‌دارد، شاید از جهت هدف مقاله حاضر، کامل، جامع و مانع به نظر برسد. لذا از ذکر تعاریف متنوعی که در این خصوص وجود دارد خودداری می‌شود.

جهت مطالعه بیشتر در باب مفهوم فرهنگ، ن.ک:

حق‌شناس، فرامرز؛ «تعاریف فرهنگ، نقش فرهنگ در نظام اجتماعی و فرهنگ سازمانی»، نشریه *دانشگاه انقلاب*، شماره ۹۸ و ۹۹، تابستان و پاییز ۱۳۷۳، صص ۱۶۱-۱۷۸.

10. Raphael Lemkin

11. Kinloch, Graham C., & Mohan, Raj P. (eds), *Genocide: Approaches, Case Studies, and Responses*, New York, Algora Publishing, 2005, p. 16.

12. The Essential Foundations of Life

13. Koivunen, Kristiina, "Cultural Genocide and Fayli Deportation, Examples of Genocide Process in Iraqi Kurdistan", *Journal of Zankoy Sulaimani*, Part B. No. 41, July 2013, p. 436.

که علیه جوانب مختلف زندگی گروه هدف صورت می‌گیرد. اهداف چنین برنامه‌هایی، از جمله می‌تواند جداسازی نهادهای اجتماعی و سیاسی، فرهنگ، زبان، عواطف ملی، مذهب و موجودیت اقتصادی گروه‌های ملی باشد.^{۱۴}

لمکین برای ارائه کامل نظریه ژنوسید خود، عناوینی را که بر مبنای آن‌ها این عمل ارتکاب می‌یابد، دسته‌بندی کرده است. این دسته‌بندی شامل هشت عنوان یا مبناست: سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اخلاقی، اقتصادی، زیست‌شناختی و جسمانی.^{۱۵}

فارغ از اینکه همه انواع ژنوسید مندرج در تقسیم‌بندی لمکین را می‌توان از مبنایی حقوقی برخوردار دانست یا نه، نظریه او قدری مجمل بود و بعدها در دکترین مدرن، دیگر اندیشمندان آن را توسعه دادند و برخی از اصطلاح قوم‌کشی^{۱۶} نیز برای این مفهوم استفاده کردند. ژنوسید فرهنگی در تعبیری نوتر، امحای عمدی حافظه جمعی، هویت یا فرهنگ یک گروه، بدون حذف فیزیکی آن‌هاست. این عمل، شامل حمله به نهادهای سیاسی و اجتماعی، فرهنگ، زبان، عواطف ملی، مذهب و موجودیت اقتصادی یک گروه است.^{۱۷}

مصادیق ژنوسید فرهنگی ممکن است شامل ممنوعیت ابراز وجود روح ملی گروه‌های هدف و از جمله شامل اعمالی چون کنترل شدید تمام فعالیت‌های فرهنگی بشود. در این نوع ژنوسید، کلیه اعمال ملی در زمینه فرهنگ و هنر، غیرممکن می‌شود و جمعیت عمومی از ارزش‌های فرهنگی موجود، محروم و یادمان‌های ملی، کتابخانه‌ها، آرشیوها، موزه‌ها و گالری‌های هنری تخریب می‌شود.^{۱۸}

برخی نیز این نظریه را این‌گونه بیان داشته‌اند که ژنوسید فرهنگی عبارت است از عملی به نیت نابودی کلی یا بخش اعظمی از یک فرهنگ. این عمل از طریق محرومیت مردم از فرصت‌های استفاده از یک زبان، مناسک دینی، خلق آثار هنری به روش مرسوم، نهادهای اصلی اجتماعی و تمام خاطرات و سنت‌ها عملی می‌شود.^{۱۹}

۲. رویدادها و تحولات اخیر جامعه جهانی و ارتکاب ژنوسید فرهنگی

با بررسی جامعه‌شناختی - تاریخی مختصر، مشخص می‌شود که جامعه جهانی در تحقق اهداف کنوانسیون منع ژنوسید، از آن جهت که برخی اعمال مجرمانه با تکیه صرف بر آن کنوانسیون،

14. Lemkin, *op. cit.*, p. 79.

15. *Ibid.*, xix.

16. Ethnocide

17. Van Bruinessen, Martin, "Genocide of the Kurds", in: *The Widening Circle of Genocide, Genocide: a Critical Bibliographic Review*. vol. 3. Edited by Israel. W. Charny. Institute of the Holocaust and Genocide, Jerusalem. Transaction Publishers, New Brunswick and London, 1994, pp. 165-191.

18. Lemkin, *op. cit.*, 84.

19. Kuper, Leo, *Genocide: Its Political Use in the Twentieth Century*, Yale University Press, 1981, p. 31.

قابلیت جرم‌انگاری و اعمال کیفر ندارد، ناکام مانده است. به عبارت دیگر، اعمالی دیده می‌شود که به‌منظور نابودسازی یک گروه ملی و معین انجام می‌گیرد و هرچند عنصر اساسی ژنوسید را با خود دارد، در زیر تعریف ماده ۲ کنوانسیون مزبور نمی‌گنجد و درعین‌حال، نمی‌توان آن را جز در زیر عنوان ژنوسید گنجانده.

خمرهای سرخ^{۲۰} در دهه ۱۹۷۰ اکثر معابد و تمثال‌های بودایی‌ها، مساجد اقلیت چم‌های^{۲۱} مسلمان و تمام کلیساهای مسیحیان کشور کامبوج را هدف نابودی و حرمت‌شکنی قرار داده بودند. در دهه ۱۹۹۰ صرب‌ها به همراه نیروهای صرب بوسنی، تمام کتابخانه‌ها، مساجد و دیگر اماکن و نشانه‌های دینی و فرهنگی وابسته به مسلمانان بوسنی را نابود کردند. چند سال پیش نیز یعنی در مارس سال ۲۰۰۱، مجسمه بودا در بامیان که یکی از هفت عجایب جهان بود،^{۲۲} در جریان حملات نظامی طالبان تخریب شد.^{۲۳}

برخی اندیشمندان بر این باورند که اعمال دولت عراق در خصوص کردهای آن کشور، نوعی ژنوسید فرهنگی بوده که به قصد نابودی کلی زبان کردی در میان این اقوام در درازمدت انجام شد. این عمل به آن سبب انجام شد که زبان، که یکی از قدرتمندترین عناصر هویتی یک ملت است، از میان برود.^{۲۴}

در کردستان جنوبی، نوعی سیاست اجباری همگون‌سازی تحت نام «عربی‌سازی»^{۲۵} در دهه ۱۹۷۰ تشدید شد. عربی‌سازی، تنها آموزش زبان کردی را ممنوع نمی‌کرد، بلکه فرهنگ کردی، نظیر موسیقی، رقص و جشن‌ها و پوشیدن لباس کردی را نیز محدود می‌کرد؛ بخصوص در سلیمانیه، حتی رفتن به گردش نیز دشوار بود. ورود کردها به دانشگاه‌ها و همچنین استخدام آن‌ها در نهادهای دولتی و نیروهای مسلح، مشکل بود.^{۲۶} این اعمال به‌زعم نگارنده، از آن جهت

20. The Khmer Rouge regime

خمرهای سرخ، نام گروهی با تفکرات و ایدئولوژی مائویستی بود که از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ میلادی بر کشور کامبوج حکومت می‌کرد. این حکومت برآمده از حزب کمونیست کامبوج بود و روش حکومتی آن در این سال‌ها منجر به نسل‌کشی و قتل‌عام حدود یک میلیون و هفت‌صد هزار نفر شد که ۲۱٪ کل جمعیت کامبوج بود. رژیم خمرهای سرخ با حمله ارتش ویتنام سقوط کرد.

21. The Chams, or Cham people

۲۲. مقصودی، محمدعلی؛ «سیستم حقوقی و مراحل تنفیذ قانون در افغانستان»، مجموعه مقالات همایش حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل، شهر دانش، ۱۳۹۱، ص ۳۲۶.

23. Francioni, Francesco, and Lenzerini, Federico, "The Destruction of the Buddhas of Bamiyan and International Law", *EJIL* (2003), vol. 14, No. 4, p. 620.

24. Nebez, Jemal, "The Kurdish Language from Oral Tradition to Written Language", Berlin, Germany, 2000. An online article published by *Kurdish Academy of Language*, available at: www.kurdishacademy.org/?q=node/135 (last visited on: 11/01/2016).

25. Arabization

26. Koivunen, *op. cit.*, p. 440.

می‌تواند نوعی ژنوسید فرهنگی محسوب شود که دلیل ارتکاب آن، دلایل مذهبی و اعتقادی نبوده است، چرا که مسلمانان عرب این کشور و کردها هر دو اهل سنت هستند و اختلاف مذهبی میان آن‌ها نیست. علاوه بر آن، حزب بعث حاکم بر این کشور، کاملاً سکولار بوده و تبعیض‌های مذهبی به ندرت رخ می‌داد.

گوی خاورمیانه، مهد تمدن‌های باستانی که فرهنگ‌های متعدد در دل خود دارد، بیش از دیگر نقاط جهان، موضوع وقوع این‌گونه جرایم بوده و هست. علاوه بر مصادیق فوق‌الذکر، برخی وحشی‌گری‌های گروه تروریستی داعش (دولت اسلامی عراق و شام) و اعمال ددمنشانه این گروه، جز در قالب ژنوسید فرهنگی نمی‌گنجد.

به‌عنوان مثال، کتابخانه عمومی و موزه موصل، خانه تندیس‌ها و مصنوعات که مربوط به دوران باستانی امپراتوری آشوریان و اکد بود، پایتخت باستانی امپراتوری آشوری یعنی نینوا و خُرساباد، شهرهای باستانی آشوریان و صومعه مسیحی و مناره‌ای از عصر یزید، و دیگر یادبودها و آثار تاریخی و فرهنگی که متعلق به تمام مردم خاورمیانه و همچنین جهان بود به دست بی‌رحم گروه مزبور نابود شد و اکنون جز نامی از آن‌ها در میان نیست.^{۲۷}

در ویدیویی که یکی از افراد ناشناس داعش منتشر کرد، وی می‌گفت: «آثاری که پشت سر من می‌بینید، همه بت‌هایی هستند که در اعصار گذشته پرستش می‌شدند» و در موردی نیز شخصی دیگر گفت: «پیامبر به ما دستور داده است که تندیس‌ها و مجسمه‌ها را دور بریزیم و صحابه وی نیز هرگاه کشوری را فتح می‌کردند، چنین می‌کردند».^{۲۸} مسئله اینجاست که نیت واقعی اعمال داعش، مبنی بر بت‌شکنی که به نام اسلام انجام می‌شود، درحقیقت، چیز دیگری است و مقاصد آن‌ها به‌وضوح، ژنوسیدگونه است و در واقع برآن‌اند که تمام آنچه را از آشوریان، دوران یزید، مسیحیان، شیعیان و دیگر اقلیت‌های دینی در عراق و سوریه برجای مانده است، از حافظه بشریت محو کنند.^{۲۹}

این حوادث و جنایات، تنها به این خاطر ارتکاب نمی‌یابد که صرفاً مشتی کاغذ و چوب و سنگ، تکه‌تکه شود و از بین برود، بلکه هدف این است که فرهنگ یک ملت یا مردم از تاریخ زدوده

27. Noradounkian, Emma, "Destroying the Memory of a People: ISIS' Cultural Genocide of Religious Minorities", An online article published by *Assyrian International News Agency*, available at: <http://mironline.ca> (last visited on: 15/01/2016).

28. Reuters, Thomas, "ISIS Fighters Destroy Priceless Iraq Antiquities", *CBC News*, February 25, 2016, available at: <http://www.cbc.ca/news/world/isis-fighters-destroy-priceless-iraq-antiquities-1.2973313>. (last visited: 15/01/2016).

29. Fournet, Caroline, *The Crime of Destruction and the Law of Genocide: Their Impact on Collective Memory*, Farnham: Ashgate Publishing, 2007, available at: https://books.google.ca/books?id=mAn-ExeN_p8C&dq=cultural+genocide&source=gbs_navlinks_s, 43. (last visited: 17/01/2016).

شود^{۳۰} و این همان دلیلی است که موجب می‌شود این اعمال، ژنوسید و از نوع فرهنگی آن دانسته شود.

از دیگر جرایم مدرن عصر حاضر، امحای زبان یک گروه یا اعمال محدودیت بر آداب و رسوم آنان است که می‌تواند نوعی ژنوسید فرهنگی را رقم بزند.^{۳۱} هم زبان و هم آداب و رسوم، هر دو از قدرتمندترین عناصر فرهنگی هر ملتی محسوب می‌شوند و قطعاً می‌توان با نابودی آن‌ها به نابودی فرهنگ رسید. به‌عنوان مثال، سیستم مدرسه محلی هندی‌ها در کانادا که آخرین آن در اواخر دهه ۱۹۹۰ تعطیل شد، نمونه‌ای از این شکل ژنوسید است که دولت کانادا علیه ملیت سابق هندوها اعمال می‌کرد و به‌اصطلاح، قصد «گرفتن هند از کودکان» داشت.^{۳۲}

نمونه‌های فوق‌الذکر، مصادیق اندکی از انواع گسترده جرایم علیه فرهنگ یک ملت است که در عصر حاضر رخ می‌دهد. قطعاً نمی‌توان این اعمال را عمل تبعیض ساده فرض کرد. بدون شک، این‌گونه جرایم از سطح تبعیض ساده فراتر می‌رود، چرا که هدفی شدیدتر یعنی نابودی فرهنگ یا یکی از عناصر آن را دنبال می‌کند. از طرف دیگر، زیر عناوین مجرمانه دیگر مانند جرایم علیه بشریت و ژنوسید (فیزیکی) نمی‌گنجد، چرا که در موارد گفته‌شده به‌هیچ‌وجه، بحث کشتار فیزیکی یا آسیب فیزیکی و شکنجه و آزار جسمانی مطرح نمی‌شود و هرآنچه هست پایه‌های معنوی و فرهنگی یک جامعه را هدف قرار می‌دهد. در این موارد، فرهنگ به‌عنوان عنصری معنوی در زندگی انسان، مورد تهدید است و در این کار، قتل و صدمه و کشتار فیزیکی مطرح نیست. از این رو بناچار باید در پی یافتن عنوان مجرمانه‌ای خاص برای این اعمال بود و به‌زعم نگارنده، همسو با بسیاری از حقوق‌دانان، عنوان «ژنوسید فرهنگی»، نزدیک‌ترین و متناسب‌ترین عنوان است.

بنابراین ملاحظه می‌شود که برخی جرایم نوین عصر حاضر - بخصوص با پدیداری جنایتکارانی چون داعش و اعمال خاصی که آن‌ها مرتکب می‌شوند - باید در زیر عنوان جدید ژنوسید فرهنگی بررسی شود و گزیری از این امر نیست. اما حال باید دید که آیا حقوق بین‌الملل کنونی، ظرفیت پذیرش این عنوان را در پوشش عملی قابل مجازات یا مسئولیت‌زا دارد یا خیر؟

30. Vrdoljak, Ana Filipa, *International Law, Museums, and the Return of Cultural Objects*, Cambridge: Cambridge University Press, 2006. Available at: <https://books.google.ca/books?id=hYWMhDUrGBUC&printsec=frontcover#v=onepage&q&f=false> (last visited: 17/01/2016).

31. David Nersessian, "Rethinking Cultural Genocide under International Law Human Rights Dialogue: "Cultural Rights"", (Spring 2005), *Carnegie Council for Ethics in International Affairs*, available at: https://www.carnegiecouncil.org/publications/archive/dialogue/2_12/section_1/5139.html/pf_printable (last visited: 26/12/2016).

32. Puxley, Chinta, "Aboriginal Adoptees Suing Ottawa for 'Cultural Genocide'", *Global News*, February 9, 2015, accessed March 31: <http://globalnews.ca/news/1820290/aboriginal-adoptees-suing-ottawa-for-cultural-genocide/>. (last visited: 20/01/2016).

۳. سنجش ظرفیت‌های حقوق بین‌الملل در شناسایی مفهوم ژنوسید فرهنگی

۳-۱. امکان‌سنجی شناسایی ژنوسید فرهنگی به موجب حقوق بین‌الملل موضوعه به‌زعم برخی اندیشمندان، تنها تعریف حقوقی قابل پذیرش از ژنوسید، تعریف مندرج در کنوانسیون منع ژنوسید است که در واقع، تنها تعریف کاربردی، عملی و کارا است.^{۳۳} همان‌طور که دیده می‌شود، این تعریف به‌هیچ‌وجه «ژنوسید فرهنگی» را دربر نمی‌گیرد و از آنجاکه این مفهوم در متن اولیه کنوانسیون وجود داشته و بعد با مخالفت صریح دولت‌ها روبه‌رو و به‌عمد از متن نهایی کنوانسیون حذف می‌شود، حتی با تفسیر نیز نمی‌توان این مفهوم را داخل در تعریف مندرج در ماده ۲ کنوانسیون گنجانده.

اما فارغ از اینکه مفهوم ژنوسید فرهنگی در کنوانسیون منع ژنوسید آمده باشد یا خیر، همان‌طور که در مبحث پیشین دیده شد، نمی‌توان منکر وجود پدیده ژنوسید فرهنگی در عصر حاضر شد. بنابراین عدم شمول کنوانسیون بر این موضوع، قطعاً نقیصه‌ای تلقی خواهد شد که جامعه جهانی را با خلأ حقوقی روبه‌رو می‌کند. لذا لازم است کوشش شود تا در قالب حقوق بین‌الملل موضوعه و از خلال سایر اسناد بین‌المللی به جبران آن پرداخته شود. شماری اسناد بین‌المللی هستند که می‌توانند در خصوص موضوع، راهگشا و یاری‌دهنده باشند؛ اسنادی که به‌گونه‌ای ژنوسید فرهنگی و فروپاشی فرهنگی بومی‌ها را با اشاره به نابودی غیرفیزیکی گروه به رسمیت شناخته‌اند.

الف. کنوانسیون ۱۹۴۸ منع ژنوسید و مفهوم ژنوسید فرهنگی

در قطعنامه شماره (۱) ۹۶، ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ مجمع عمومی، دول عضو ملل متحد تأیید کردند که ژنوسید، یک جرم به‌موجب حقوق بین‌الملل عام است.^{۳۴} این تصدیق در ماده ۱ کنوانسیون منع و مجازات جرم ژنوسید منعقد در سال ۱۹۴۸ تأیید شد^{۳۵} که تصریح می‌کرد که ژنوسید، جرمی به‌موجب حقوق بین‌الملل است، خواه در زمان صلح ارتکاب یافته باشد یا در زمان جنگ. به‌موجب این کنوانسیون، ژنوسید به هریک از اعمال زیر که به‌منظور از بین‌بردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی صورت گیرد، اطلاق می‌شود:

(الف) کشتن اعضای یک گروه؛

(ب) وارد کردن صدمات جدی جسمی یا روحی به اعضای یک گروه؛

(ج) قراردادن یک گروه در معرض شرایط نامناسب زندگی که منجر به از بین رفتن قوای جسمی

آن گروه، به‌طور کلی یا جزئی شود؛

33. Campbell, Kenneth J., *Genocide and the Global Village*, Palgrave Macmillan, 2001, pp. 22-23.

34. The Crime of Genocide, GA Res. 96 (I), UN GAOR, 1st session, 55th meeting, UN Doc A/RES/96(I) (11 December 1946).

35. Opened for signature 9 December 1948, 78 UNTS 277 (entered into force 12 January 1951).

د) اقدامات تحمیلی به‌منظور جلوگیری از توالد و تناسل یک گروه؛ و
هـ) انتقال اجباری اطفال یک گروه به گروه دیگر.

نسخه پیش‌نویس این کنوانسیون، متضمن مفهوم «ژنوسید فرهنگی» نیز بوده است که در اولین پیش‌نویس، «نابودی گسترده و منظم بناهای تاریخی و مذهبی یا تغییر کاربری آن‌ها به استفاده‌های نامتعارف» و «نابودی یا پراکنده‌کردن اسناد و موضوعات تاریخی، هنری یا مذهبی که در عبادات مذهبی دارای ارزش است»^{۳۶} و در نسخه آخر، «نابودی ... کتابخانه‌ها، موزه‌ها، مدارس، بناهای تاریخی، مکان‌های عبادت و دیگر نهادها و اموال فرهنگی یک گروه» را وقتی همراه با قصد نابودی فرهنگ آن گروه صورت گیرد، ژنوسید فرهنگی می‌دانست.^{۳۷} اما کمیته ششم مجمع عمومی که متن نهایی کنوانسیون را تهیه کرد، این مفهوم را رد و حذف کرد.^{۳۸} کمیته ویژه ژنوسید ملل متحد در هنگام تدوین پیش‌نویس اولیه کنوانسیون ژنوسید، ماده ۳ آن را این‌گونه تدوین کرده بود:

«هرگونه عمل عمدی که به قصد نابودی زبان، مذهب یا فرهنگ یک گروه ملی، نژادی یا مذهبی بر پایه باورهای دینی یا با منشأ ملی یا نژادی، به شرح ذیل ارتکاب یابد:

۱. ممنوعیت استفاده از زبان گروه در مراودات روزانه یا در مدارس یا چاپ و انتشار مطبوعات به زبان آن گروه؛

۲. نابودی یا ممنوعیت استفاده از کتابخانه‌ها، موزه‌ها، مدارس، بناهای تاریخی، مکان‌های عبادت یا دیگر نهادها و اشیاء فرهنگی آن گروه».^{۳۹}

این ماده در طرح نهایی کنوانسیون به کلی حذف شد و برخی دلیل حذف آن را نامشخص بودن تعریف و دامنه موضوع می‌دانستند، هرچند اختلاف نظر میان آن‌ها وجود داشت.^{۴۰} بنابراین، در حقوق بین‌الملل موضوعه کنونی، چنین تعریفی از ژنوسید موجود نیست.^{۴۱}

36. Article II (2)(e) of the Draft Convention for the Prevention and Punishment of Genocide (UN Doc. E/447), annexed to ECOSOC res. 77 (V), 6 August 1947.

37. Ad Hoc Committee on Genocide, Report of the Committee and Draft Convention Drawn up by the Committee, UN ESCOR, UN Doc E/794 (24 May 1948) annex ('Draft Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide') art. III(2).

38. 83rd Meeting, Held at Palais de Chaillot, Paris, on Monday, 25 October 1948, UN GAOR, 6th Comm., 3rd session, UN Doc A/C.6/SR.83 (25 October 1948) 202.

39. Summary Record of Meetings, U.N. ESCOR, 7th Session, Supp. No. 6, at 6, U.N. Doc. E/3/SR.175-225 (1948).

40. *Ibid.*, pp. 1029-1035.

41. Morsink, Johannes, "Cultural Genocide, the Universal Declaration, and Minority Rights", 21 *HUM. RTS. Q.* 1009, 1019 (1999).

ب. کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و مفهوم ژنوسید فرهنگی

کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه در خصوص حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه، نخستین سند بین‌المللی است که به حمایت از اموال فرهنگی به‌طور خاص در زمان مخاصمات مسلحانه می‌پردازد. با این حال، این سند، از خود فرهنگ حمایت نمی‌کند، بلکه بر حمایت از اموال فرهنگی و میراث فرهنگی بشریت در کل تمرکز دارد. در واقع، این سند، از هویت‌های خاص یک گروه حمایت نمی‌کند. با وجود این، نمی‌توان به‌سادگی از کنار موضوع گذشت و نظر به خلأ موجود در خصوص ژنوسید فرهنگی باید سعی کرد که از خلال این کنوانسیون نیز راهی برای مقابله با این پدیده نوین پیدا کرد.

رافائل لمکین استدلال می‌کند که باید از اموال تشکیل‌دهنده هویت ملی یک گروه نیز حمایت شود و چنانچه خسارت به این اموال یا توقیف و مصادره آن‌ها تنها به دلیل مقابله با افرادی خاص که به‌عنوان مثال، لهستانی، یهودی یا اهل چک هستند، انجام شود، ممکن است به سمت این جرم برود.^{۴۲} در این مقام، آنچه وی معیار و رکن اساسی می‌داند، قصد و نیت خاص ضربه‌زدن به یک گروه معین است. یعنی چنانچه آسیب‌رساندن به اموال فرهنگی، تنها به این نیت خاص انجام شود که آن اموال به گروه یا ملتی معین تعلق دارند و از این طریق، قصد داشته باشند که احساسات فرهنگی آن گروه جریحه‌دار شود و آثار فرهنگی آنان به‌عنوان عنصری از فرهنگشان از بین برود، جرم مزبور تحقق یافته است. پس هرچند کنوانسیون از فرهنگ حمایت نمی‌کند و صرفاً موضوع اموال را مطرح می‌کند، می‌توان با چنین استدلالی و با تفسیری مترقیانه از مواد، آن راه را برای پیگیری و تعقیب جرم ژنوسید فرهنگی نیز باز کرد.

ج. شناسایی ژنوسید فرهنگی در قالب اسناد کلیدی حقوق بین‌الملل کیفری

تعریف مندرج در ماده ۲ کنوانسیون منع ژنوسید، بعدها در بند دوم ماده ۴ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق نیز عیناً ذکر شد. به‌علاوه، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز معتقد است که تعریف ژنوسید، مندرج در کنوانسیون با حقوق بین‌الملل عرفی همسو است.^{۴۳} همین تعریف در بند دوم ماده ۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا نیز آمده است.

این تعریف، مجدداً بدون هیچ تغییری در ماده ۱۷ پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص جرایم علیه صلح و امنیت بشری که کمیسیون در ۱۹۹۶ آن را تصویب کرد، درج شد. اما بند ۱۲ تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص ماده ۱۷ این پیش‌نویس به‌صراحت، مفهوم «ژنوسید فرهنگی» را از متن خارج کرد. به‌زعم کمیسیون:

42. Lemkin, *op. cit.*, pp. 79-95.

43. Report of the Secretary-General pursuant to paragraph 2 of Security Council Resolution 808 (1993), para. 45.

«همان‌طور که در کارهای مقدماتی کنوانسیون دیده می‌شود، تخریب و نابودی مورد بحث در واقع، نابودی مادی یک گروه با ابزارهای فیزیکی یا زیستی است و نه نابودی ملی، زبانی، مذهبی، فرهنگی یا دیگر اشکال هویتی یک گروه. عنصر ملیت یا مذهب یا عنصر نژادی یا قومی در تعریف اصطلاح نابودی یا تخریب که باید تنها در شکل مادی آن (اعم از قالب فیزیکی یا زیستی) مدنظر قرار گیرد، نمی‌گنجد. پیش‌نویس ۱۹۴۷ کنوانسیون که دبیرکل ارائه کرد و پیش‌نویس تنظیمی کمیته ویژه ژنوسید در سال ۱۹۴۸ که حاوی مقرراتی در باب «ژنوسید فرهنگی» بود، این موارد را پوشش می‌داد؛ ارتکاب هرگونه عمل عمدی به قصد نابودی زبان، مذهب یا فرهنگ یک گروه، نظیر ممنوعیت استفاده از زبان گروه در محاورات روزانه یا در مدارس یا چاپ و انتشارات به زبان آن گروه یا نابودی یا ممنوعیت استفاده از کتابخانه‌ها، موزه‌ها، مدارس، بناهای تاریخی، مکان‌های عبادت یا دیگر نهادها یا اشیاء فرهنگی گروه. باین‌حال، متن کنوانسیون که کمیته ششم آن را تنظیم و مجمع عمومی آن را تصویب کرد، مفهوم «ژنوسید فرهنگی» را که در هر دو متن پیش‌نویس ... آمده بود، دربرداشت. سه بند نخست این ماده، اعمال «ژنوسید فیزیکی» و دو بند دیگر، اشکال «ژنوسید زیستی»^{۴۴} را فهرست می‌کند.

سه سال بعد، ماده ۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، بار دیگر تعریف ژنوسید مقرر در ماده ۲ کنوانسیون ژنوسید را کلمه به کلمه ذکر کرد. این امر که تعریف ژنوسید، آن‌قدر وسیع شود که مفهوم «ژنوسید فرهنگی» را نیز دربرگیرد، هیچ‌گاه در طول فرایند کاری کمیته ویژه برای تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری و همچنین کمیته مقدماتی تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی و نیز کنفرانس دیپلماتیک تام‌الاختیار ملل متحد برای تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی، مطلوب نبوده است.^{۴۵}

تعریف عرفی ژنوسید مندرج در ماده ۲ کنوانسیون ژنوسید، اخیراً در ماده ۱۱ اساسنامه دیوان ویژه عراق و ماده ۴ قانون تأسیس شعب فوق‌العاده در محاکم کامبوج برای تعقیب جرایم ارتكابی در طول حکومت جمهوری کامبوج نیز درج شده است.^{۴۶}

۲-۳. بررسی مفهوم ژنوسید فرهنگی در رویه قضایی بین‌المللی

یکی از شعب رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی در قضیه کرسٹیچ، نظریه ژنوسید فرهنگی را رد کرد. این شعبه با یادآوری روند پیش‌نویس کنوانسیون ژنوسید و نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، نظر داد که «حقوق بین‌الملل عرفی، تعریف ژنوسید را به اعمالی که به قصد نابودی

44. Report of the International Law Commission on the work of its forty-eighth session, UN Doc A/51/10, pp. 90-91.

45. O'Keefe, Roger, "Protection of Cultural Property under International Criminal Law", *Melbourne Journal of International Law*, vol. 11, 2010, p. 49.

46. O'Keefe, Roger, *The Protection of Cultural Property in Armed Conflict*, Cambridge University Press, USA, 2006, p. 356.

فیزیکی یا زیستی تمام یا بخشی از یک گروه انجام می‌شود، محدود می‌کند». در نتیجه، «حمله سازمان‌یافته، تنها علیه نشان‌های فرهنگی و جامعه‌شناختی یک گروه بشری به‌منظور نابودی این نشان‌ها که برای آن گروه، ایجاد هویتی متمایز از سایرین می‌کند، داخل در تعریف ژنوسید نمی‌شود».^{۴۷} دیوان همچنین می‌افزاید: «شعبه بدوی بیان می‌کند در جایی که نابودی فیزیکی یا زیستی رخ دهد، در اغلب موارد، در عین حال حملات علیه اموال و نشان‌های فرهنگی و مذهبی گروه هدف نیز انجام می‌گیرد؛ حملاتی که به‌درستی می‌تواند دلیلی بر قصد نابودی فیزیکی گروه در نظر گرفته شود. در این پرونده، شعبه بدوی، تخریب عمدی مساجد و خانه‌های متعلق به اعضای گروه را به‌عنوان دلیلی بر قصد نابودی گروه در نظر می‌گیرد».^{۴۸}

شعبه تجدیدنظر نیز متعاقباً این امر را تصدیق کرد که تعریف کنوانسیون از ژنوسید، بیانگر حقوق بین‌الملل عرفی است.^{۴۹} و شعبه رسیدگی‌کننده، به‌درستی اصل حقوقی حاکم را شناسایی کرده است.^{۵۰} قاضی شهاب‌الدین در نظریه مخالف خود پذیرفت که مفهوم «ژنوسید فرهنگی»، خارج از عنصر مادی ژنوسید، طبق تعریف حقوق بین‌الملل عرفی قرار می‌گیرد. باین‌حال، بر آن نکته‌ای که شعبه پیشنهاد داده بود تأکید کرد که «ممکن است نابودی فرهنگ، مثبت قصدی باشد که از جمیع اوضاع و احوال حاصل شود و مبتنی بر نابودی گروه به این طریق باشد».^{۵۱} در پرونده کرسٹیچ، ویران کردن مساجد اصلی، مؤید قصد نابودی گروه مسلمان صرب بوسنی بود.^{۵۲} در قضیه حق شرط بر کنوانسیون ژنوسید، دیوان بین‌المللی دادگستری نیز بیان داشت که اصول کنوانسیون ژنوسید، «اصولی هستند که از جانب ملل متمدن به‌عنوان [اصولی] الزام‌آور برای دولت‌ها، فارغ از هرگونه تعهد معاهده‌ای به رسمیت شناخته شده است».^{۵۳} این موضع، از مبنای عرفی تعریف مندرج در ماده ۲ حکایت دارد و مفهوم مخالف آن به معنی عدم پذیرش نظریه ژنوسید فرهنگی است.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «اجرای کنوانسیون ژنوسید»، عدم پذیرش مفهوم «ژنوسید فرهنگی» را به‌عنوان مفهوم حقوقی بین‌المللی با اطمینان کامل، تصدیق کرد:
 «از نگاه دیوان، تخریب میراث تاریخی، فرهنگی و مذهبی نمی‌تواند به‌عنوان عمل تحمیل عمدی شرایط ناگوار زندگی منتج به نابودی فیزیکی یک گروه در نظر گرفته شود. هرچند ممکن

47. *Prosecutor v. Krstić*, IT-98-33-T, Trial Chamber Judgment, 2 August 2001, para. 580.

48. *Ibid.*

49. *Prosecutor v. Krstić*, IT-98-33-A, Appeals Chamber Judgment, 19 April 2004, para. 25.

50. *Ibid.*, para. 26.

51. *Ibid.*, partial dissenting opinion of judge Shahabuddeen, para. 53.

52. *Ibid.*

53. Reservations to the Convention on Genocide, Advisory Opinion, ICJ Reports 1951, p. 15 at p. 23. See also Armed Activities on the Territory of the Congo (New Application: 2002) (*Democratic Republic of the Congo v. Rwanda*), ICJ General List No. 126, Jurisdiction and Admissibility, 3 February 2006, para. 64.

است این تخریب‌ها فوق‌العاده مهم باشد و درعین حال، مستقیماً به منظور امحای تمام آثار فرهنگی یا مذهبی از حضور یک گروه انجام شده باشد و با سایر هنجارهای حقوقی در تعارض باشد، این عمل در تقسیم‌بندی عمل ژنوسید در ماده ۲ کنوانسیون قرار نمی‌گیرد. در این خصوص، دیوان بیان می‌کند که در طول رسیدگی متن پیش‌نویس کنوانسیون، کمیته ششم مجمع عمومی تصمیم گرفت که ژنوسید فرهنگی را داخل در فهرست اعمال قابل مجازات نکند. به‌علاوه، کمیسیون حقوق بین‌الملل در نهایت، این رویکرد را تأیید می‌کند ... از این گذشته، دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در پرونده کرسٹیچ، نظری مشابه اتخاذ کرده و بیان داشته که حتی در حقوق عرفی - علی‌رغم توسعه‌های اخیر - تعریف عمل ژنوسید، محدود به موارد نابودی فیزیکی یا بیولوژیکی یک گروه شده است. دیوان نتیجه می‌گیرد که نمی‌توان تخریب میراث تاریخی، مذهبی و فرهنگی را عملی دانست که در تعریف ژنوسید در ماده ۲ کنوانسیون ژنوسید بگنجد.^{۵۴}

دیوان بین‌المللی دادگستری می‌افزاید: «دیوان همچنین ملاحظات مقرر در پرونده کرسٹیچ را تصدیق می‌کند که «هرجا نابودی فیزیکی یا زیستی رخ دهد در اغلب موارد درعین حال، حملات علیه اموال و نشان‌های فرهنگی و مذهبی گروه هدف نیز انجام می‌گیرد؛ حملاتی که به‌درستی می‌تواند به‌عنوان دلیلی بر قصد نابودی فیزیکی گروه در نظر گرفته شود».^{۵۵}

این موضع‌گیری درعین حال باعث نمی‌شود که دیوان، عمل فیزیکی تخریب اموال فرهنگی را ممنوع اعلام نکند. دیوان در قرار موقت صادره در این پرونده به مقامات یوگسلاوی اعلام کرد: «به نهادهای وفادار به عزت بگوویچ دستور دهند که بلافاصله تخریب کلیساهای ارتدوکس و عبادت‌گاه‌ها و دیگر میراث فرهنگی صرب را متوقف کنند و به بدرفتاری با کلیه کشیشان ارتدوکس در زندان پایان دهند»؛^{۵۶} یا «به مقامات وفادار به عزت بگوویچ برای توقف فوری هرگونه تخریب بعدی کلیساهای ارتدوکس و اماکن مذهبی و سایر میراث فرهنگی صرب‌ها و آزادسازی و توقف بدرفتاری با کلیه پیروان ارتدوکس در زندان»، دستور لازم داده شود.^{۵۷}

بر این اساس، ملاحظه می‌شود که رویه قضایی که بیشتر متکی به حقوق معاهده‌ای و عرفی بود، نتوانست مفهوم ژنوسید فرهنگی را به‌عنوان جرم در نظر بگیرد، اما به کلی راه را برای پدیداری این مفهوم، نبسته است. همان طور که ملاحظه شد، دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی

54. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (*Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro*) (Merits), ICJ Reports, 2007, 4, 124, p. 344.

55. رأی دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده Vidoje Blagojević and Dragan Jokić (بندهای ۶۵۸ الی ۶۶۴) نیز متضمن نتیجه‌گیری یکسان است.

56. Application of the Convention of Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (*Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro*), Order of 13 September 1993, p. 331.

57. ضیایی بیگدلی، محمدرضا و همکاران؛ آراء و نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، جلد دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۸، قضیه ۹۵.

سابق در پرونده کرسیتیج بیان می‌دارد که هرگاه حملات و اعمال علیه عناصر فرهنگی و اموال فرهنگی یک گروه بتواند به‌عنوان دلیلی بر قصد نابودی فیزیکی گروه در نظر گرفته شود، می‌توان این عمل را قابل مجازات دانست. هرچند دیوان این حالت را نیز تحت عنوان «ژنوسید فرهنگی» نام نمی‌برد، نفس شناسایی چنین عملی، هم در شعبه تجدیدنظر تصدیق می‌شود و هم دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اجرای کنوانسیون ژنوسید، این امر را مجدد تأیید می‌کند. با اینکه هیچ‌یک از این محاکم، نام ژنوسید فرهنگی را بر عمل «تخریب اموال فرهنگی به‌عنوان دلیلی بر قصد نابودی فیزیکی یک گروه» نمی‌نهد، دست حقوق بین‌الملل را در تعقیب و مجازات مرتکبان این‌گونه جرایم - که در عصر حاضر بر بسیاری از اعمال و بخصوص بر اعمال گروه داعش به‌آسانی انطباق‌پذیر است - باز می‌گذارد.

۳-۳. بررسی و ضرورت شناسایی ژنوسید فرهنگی از منظر حقوق بین‌الملل بشر

میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حاوی مقرراتی است که به‌گونه‌ای متمایز از فرهنگ حمایت می‌کند. ماده ۲۷ این میثاق بیان می‌دارد: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم کرد که مجتمعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص خود متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم کنند». این ماده، هرچند از آزادی‌ها و اعمال فرهنگی حمایت می‌کند، دقیقاً مشابه حمایت در برابر ریشه‌کنی فرهنگی نیست.^{۵۸}

ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که محرومیت افراد یک گروه از حق بهره‌مندی از فرهنگ‌شان را ممنوع می‌کند، با ممنوعیت پیشنهاد شده برای ژنوسید فرهنگی به‌موجب کنوانسیون منع ژنوسید متفاوت است، چرا که متن پیش‌نویس این کنوانسیون به‌صراحت، اعمالی را منع می‌کرد که به نیت نابودی فرهنگ بر پایه‌های نژادی یا باورهای مذهبی باشد درحالی‌که ماده ۲۷ میثاق، وجود و اثبات علم و آگاهی از شرایط عمل ارتكابی را لازم نمی‌داند.^{۵۹}

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شق (الف) بند ۱ ماده ۱۵ بیان می‌دارد: «دول عضو میثاق حاضر، حق هرکس را در مشارکت در زندگی فرهنگی به رسمیت می‌شناسند». باز هم، به‌رغم شناسایی حق تمام مردم در اجرای آزادی‌های فرهنگی خود، این میثاق، درباره مسائل تخطی و تجاوز به آن حقوق، مقرراتی ندارد.

کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) در مواد ۲۹ و ۳۰ به موضوع فرهنگ می‌پردازد. شق (ج) بند

58. *Beanal v. Freeport-McMoran, Inc.*, 197 F.3d 161, 167-169 (United States Court of Appeals, 5th Circuit, 1999).

59. Herz, Richard L., "Litigating Environmental Abuses under the Alien Torts Claims Act: A Practical Assessment", *Virginia Journal of International Law*, vol. 40, (2000), p. 629.

۱ ماده ۲۹ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: کشورهای طرف کنوانسیون موافقت می‌کنند که توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی، زبان و ارزش‌های ادبی و ملی کشوری که در آن زندگی می‌کند و احترام به موطن اصلی کودک و به تمدن‌های متفاوت با تمدن وی، باید جزء آموزش و پرورش کودکان باشد. ماده ۳۰ نیز مقرر می‌دارد: در کشورهایی که اقلیت‌های قومی و مذهبی یا اشخاص بومی زندگی می‌کنند، کودکی که متعلق به این اقلیت‌هاست باید به همراه سایر اعضای گروه از حق برخورداری از فرهنگ و تعلیم و انجام اعمال مذهبی خود یا زبان خویش برخوردار باشد. هرچند این کنوانسیون بیان می‌دارد که دول عضو تضمین خواهند کرد که کودکان «در مقابل هرگونه تبعیض یا مجازات بر مبنای وضعیت، فعالیت‌ها، عقاید یا باورهای والدین آن‌ها حمایت می‌شوند»، ضمن اینکه به حمایت از آزادی‌های فرهنگی فردی نظر می‌کند، به مسئله ریشه‌کن کردن یک فرهنگ به‌طور کلی نمی‌پردازد.^{۶۰}

کنوانسیون ۲۰۰۵ یونسکو در خصوص تنوع فرهنگی بیان می‌دارد که هر شخصی از حق اظهارکردن خود و ایجاد و پخش فعالیت‌های خود به هر زبانی برخوردار است. هر شخصی از حق بهره‌مندی از آموزش و تربیت کیفی که به هویت فرهنگی او احترام کامل بگذارد، برخوردار است و تمام افراد حق دارند در زندگی فرهنگی دلخواه خود مشارکت کنند و آداب و رسوم فرهنگی خود را به‌جا آورند. هدف این کنوانسیون، حمایت از محصولات فرهنگی نظیر فیلم و موسیقی است. ایده اصلی که در پشت این کنوانسیون وجود دارد این است که کارهای فرهنگی صرفاً دارای ارزش تجاری نبوده و باید حمایت شود. باوجود این، باز هم این کنوانسیون به مقوله نابودی و انقراض فرهنگی نمی‌پردازد.

در هنگام تصویب اعلامیه ملل متحد در خصوص حقوق مردم بومی،^{۶۱} بحث مفهوم ژنوسید فرهنگی به‌شدت مطرح شد و مخالفان و موافقان پیدا کرد. در متن نهایی اعلامیه،^{۶۲} عبارت «ژنوسید فرهنگی» حذف شد و قید صریحی در این خصوص مقرر نشد.^{۶۳} حذف اشاره مستقیم به

60. Anayiotos, Daphne, "The Cultural Genocide Debate: Should the UN Genocide Convention Include a Provision on Cultural Genocide, or Should the Phenomenon be Encompassed in a Separate International Treaty", 22 *The New York University Law Review*, 99, 102, 2009, p. 11.

61. The United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples

62. Adopted by the General Assembly under Resolution 61/295, 107th plenary meeting, 13 September 2007.

۶۳. ماده ۷ متن اولیه پیش‌نویس این اعلامیه تضمین می‌کرد:

حق جمعی و فردی مردم بومی است که موضوع هرگونه قوم‌کشی و ژنوسید فرهنگی قرار نگیرند. این حق، شامل جلوگیری و جبران در برابر موارد زیر است:

الف) هرگونه اقدام که هدف یا اثر محرومیت آنان از کرامت به‌عنوان مردمی متمایز یا از ارزش‌های فرهنگی یا هویت‌های نژادی را در پی داشته باشد؛

ب) هرگونه اقدامی که هدف یا اثر محرومیت آنان از سرزمین‌شان، قلمرو یا منابع‌شان را در پی داشته باشد؛

ج) هر شکل از انتقال جمعیت که منجر به نقض یا نادیده‌گرفتن هریک از حقوق آنان شود؛

ژنوسید فرهنگی در این اعلامیه، تا حدی به‌موجب دیگر مقررات آن جبران شده است. برای مثال، بند دوم ماده ۷ بیان می‌دارد: «مردمان بومی از حق دسته‌جمعی برای زندگی در آزادی، صلح و امنیت به‌عنوان مردمانی متمایز برخوردارند و نباید در معرض هیچ اقدام مبتنی بر ژنوسید یا هر اقدام خشونت‌آمیز دیگر، از جمله جابه‌جایی اجباری کودکان یک گروه به گروهی دیگر، قرار گیرند». بنابراین، باوجود اینکه عبارت ژنوسید فرهنگی از متن نهایی اعلامیه حذف شد، عبارت «هرگونه اقدام مبتنی بر ژنوسید» مندرج در بند دوم ماده، گویای نوعی ژنوسید در شکل فرهنگی آن یا همان ژنوسید فرهنگی است.^{۶۴} علاوه بر آن، ماده ۸ این اعلامیه مقرر می‌دارد: «افراد و مردمان بومی حق دارند که در معرض همانندسازی اجباری یا نابودی فرهنگ‌شان قرار داده نشوند». باوجود این، ایرادها و موانعی پیش روی این اعلامیه است: اعلامیه از نیروی الزام‌آور برخوردار نیست و همچنین در حال حاضر، این دیدگاه با تعریف مورد پذیرش جامعه بین‌المللی از ژنوسید، سازگار نمی‌نماید و نمی‌تواند موجد قاعده پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل عرفی باشد.^{۶۵} قطعاً اعلامیه نمی‌تواند خصوصیتی افزون بر «حقوق نرم» داشته باشد.^{۶۶} علاوه بر آن، این اعلامیه در فرض اثرداشتن، صرفاً در خصوص مردم بومی اعمال می‌شود و نه اقلیت‌های قومی.^{۶۷}

بنابراین مشاهده می‌شود که حقوق بین‌الملل بشر در بررسی تقریباً جامع، متضمن شناسایی مفهوم ژنوسید فرهنگی نیست و اسناد بین‌المللی حقوق بشر که مختصراً مقرراتی از آن‌ها ذکر شد، این مفهوم را منعکس نمی‌کنند.

ضرورت شناسایی مفهوم مزبور در حیطه حقوق بین‌الملل بشر، بیشتر خودنمایی می‌کند. حق بهره‌مندی از آموزش، حق اظهار فرهنگ و آداب و رسوم فرهنگی، حق برخورداری از نام‌های متعلق به یک فرهنگ و اجازه آموختن آموزه‌های فرهنگی در مدارس، نحوه پوشش و ممنوعیت کلی تبعیض و محو همه‌جانبه آن، همه حکایت از ضرورت توجه به مفهوم ژنوسید فرهنگی دارد.^{۶۸}

(د) هر شکل از یکپارچه‌سازی و ادغام با دیگر فرهنگ‌ها یا نحوه زندگی تحمیلی به‌موجب قانون، اجرا یا دیگر اقدامات؛ (ه) هرگونه تبلیغات مستقیم علیه آن‌ها.

64. Mako, Shamiran, "Cultural Genocide and Key International Instruments: Framing the Indigenous Experience", *International Journal on Minority and Group Rights*, 19, 2012, p. 188.

65. Geer, Martin, "Foreigners in Their Own Land: Cultural Land and Transnational Corporations Emergent International Rights and Wrongs," *Virginia Journal of International Law*, vol. 38 (1998), p. 396.

66. Mako, *op. cit.*, p. 188.

67. Sautman, Barry, "Cultural Genocide in International Context"; in *Cultural Genocide and Asian State Peripheries*, Sautman, B. (Ed.), Palgrave Macmillan, New York, 2006, p. 14.

See also: Leon, Terri, "The Draft Declaration on the Rights of Indigenous Peoples: Three Case Studies," *New England International and Comparative Law*, Annual 6, 2000, p. 57.

68. جهت ملاحظه تفصیلی حق‌های مزبور و ممنوعیت تبعیض در خصوص آن‌ها ن.ک: مسعود راعی و سیدعلی حسینی‌آزاد؛ «نگاهی به رویه و عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در زمینه ادعاهای نقض حقوق و آزادی‌های دینی»، مجموعه مقالات همایش جایگاه ادیان الهی در نظام‌های حقوقی، دانشیاران ایران، ۱۳۹۴، صص ۱۶۶-۱۹۵، به‌ویژه صص ۱۸۲-۱۸۰.

قطعاً در حوزه حقوق بشر، مباحث مجازات و تعقیب به‌سان حقوق بین‌الملل کیفری مطرح نمی‌شود اما باید ممنوعیت اعمال ناقض تعهدات حقوق بشری که پایه‌های شکل‌دهی ژنوسید فرهنگی محسوب می‌شود، تقویت شده و در این راه، قدم نخست آن است که توجه به فرهنگ و عناصر آن پررنگ‌تر شود. این اعمال به‌وضوح، نقض تعهد مندرج در ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی است. در نهایت، واضح و میرهن است که هدف سازمان ملل متحد در محو اشکال تبعیض نیز نمی‌تواند کامل شود مگر اینکه به مقوله فرهنگ نظر شود.

۳-۴. دکترین مدرن حقوق بین‌الملل معاصر در شناسایی مفهوم ژنوسید فرهنگی

برخی اندیشمندان بر این باورند که هرچند ژنوسید فرهنگی در کنوانسیون منع ژنوسید به‌عنوان جرم شناسایی نشده است، در واقع، عمل مزبور، شکلی مجرمانه دارد.^{۶۹}

رافائل لمکین که درحقیقت، معمار و طراح اصلی کنوانسیون منع ژنوسید بود،^{۷۰} این‌گونه مفهوم ژنوسید را تبیین می‌کند: «به‌طور کلی، ژنوسید لزوماً به معنی نابودی بی‌درنگ یک ملت نیست ... بلکه به معنی دلالت بر برنامه هماهنگ‌شده ارتکاب اعمال مختلفی است که به هدف نابودی بنیان‌های اساسی زندگی گروهی ملی و به قصد نابودکردن خود آن گروه است. اهداف چنین برنامه‌ای می‌تواند فروپاشی نهادهای سیاسی و اجتماعی، فرهنگ، زبان، عواطف ملی، مذهب و موجودیت اقتصادی یک گروه ملی باشد و همچنین می‌تواند شامل نابودی امنیت، آزادی، سلامت و کرامت شخصی و حتی حیات افراد متعلق به آن گروه باشد. ژنوسید، مستقیماً علیه گروه ملی به‌عنوان یک موجودیت انجام می‌شود و اقدامات صورت‌گرفته، مستقیماً علیه افراد، نه به دلایل شخصی، بلکه به‌عنوان عضوی از آن گروه ملی است».^{۷۱}

این موضوع باید به‌دقت مدنظر قرار گیرد که معنی «نابودسازی»^{۷۲} چیست و چگونه این عمل می‌تواند شکل «خیلی عظیم» به خود بگیرد. آیا لازم است گروه مزبور به‌طور فیزیکی کشته شود؟ یا ممکن است به روش‌های نرم و ظاهراً متمدن کشته شود؟

تمایز میان این دو مفهوم از نابودی، میان تعاریف ارائه‌شده، دو رویکرد و شکاف به وجود آورد. یک رویکرد، نگاهی مضیق به موضوع داشت و رویکرد دیگر، مفهوم ژنوسید را به‌طور موسع تفسیر می‌کرد.

این واقعیت که ژنوسید فرهنگی به‌موجب کنوانسیون منع ژنوسید به رسمیت شناخته نشده

69. Kuper, *op. cit.*, p. 31.

70. Lemkin, Raphaël, "Genocide as a Crime under International Law", *American Journal of International Law*, vol. 41, 1947, p. 145.

71. Lemkin, Raphaël, *Axis Rule in Occupied Europe: Laws of Occupation, Analysis of Government, Proposals for Redress* (1944), p. 79.

72. Destruction

است، باعث نمی‌شود که توسعه‌های رو به جلوی متبلور شده در حقوق بین‌الملل در اواخر قرن بیستم در خصوص مفهوم ژنوسید، نادیده گرفته شود. برخی دادگاه‌ها، همچنین یونسکو و آیسسکو و برخی محققان که اعمال اخیر گروه داعش را محکوم کرده‌اند، نمونه تخریب اموال فرهنگی را، دلیلی بر نابودی فیزیکی عمدی یک گروه دانسته‌اند. همان گونه که در سال ۲۰۰۱، شعبه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق استدلال کرده بود: «غالباً حملات علیه اموال مذهبی - فرهنگی و نمادهای گروه مزبور به‌طور همزمان رخ می‌دهد؛ حملاتی که به‌درستی می‌تواند دلیلی بر قصد نابودی فیزیکی آن گروه قلمداد شود».^{۷۳}

تردیدی نیست که سازمان ملل متحد در دهه ۱۹۴۰ که قدرت‌های غربی در آن توانستند علیه مفهوم ژنوسید فرهنگی جبهه گرفته و مانع تدوین آن شوند، سازمانی بسته و انحصاری بود. با این حال، باز هم در این خصوص که در سازمان ملل بسط یافته پس از دوران استعمار، بیشتر دولت‌ها خواهان ممنوعیت ژنوسید فرهنگی باشند، نشانه‌ای در دست نیست، چرا که عملکرد برخی از آن دولت‌ها می‌تواند به ضرر خود آن‌ها باشد. به‌عنوان مثال، ممکن است اعمال ارتكابی رهبران ایالات متحده در جنگ ویتنام، خود آن‌ها را متهم به ژنوسید فرهنگی کند.^{۷۴}

در گزارشی که به کمیسیون فرعی ملل متحد در مورد ممنوعیت تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها در سال ۱۹۸۵ ارائه شد، توصیه می‌شد که موضوع ژنوسید فرهنگی مطمح نظر قرار گیرد و این امر می‌تواند از طریق پروتکل الحاقی تحقق یابد.^{۷۵} اما تا کنون چنین نشده است و ملل متحد معتقد است که تصویب مقرراتی معادل آنچه در ماده ۳ پیش‌نویس وجود داشت بسیار زمان‌بر است و شمار تصویب‌کنندگان آن اندک خواهد بود.^{۷۶} به‌رغم اینکه برخی نویسندگان برآن‌اند که ژنوسید فرهنگی وارد کنوانسیون شده است،^{۷۷} تابعان قاعده‌ساز حقوق بین‌الملل نشان داده‌اند که تمایلی به این امر ندارند. با وجود این، طرفداران ممنوعیت ژنوسید فرهنگی این امر را تأیید می‌کنند که چنین جرمی تنها در قالب تابعی از ژنوسید فیزیکی می‌تواند ظهور کند. یعنی تنها زمانی که این عمل با عمل ژنوسید فیزیکی همراه باشد، قابل جرم‌انگاری و ممنوع‌شدن است.^{۷۸}

73. Fournet, Caroline, *The Crime of Destruction and the Law of Genocide: Their Impact on Collective Memory*, Farnham: Ashgate Publishing, 2007, p. 43.

74. Lippman, Matthew, "The Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide: Fifty Years Later", 15 *Arizona Journal of International and Comparative Law*, 415, 1998, pp. 476-480.

75. Whitaker, Benjamin, Special Rapporteur, Review of Further Developments in Fields with which the Sub-Commission Has Been Concerned: Revised and Updated Report on the Question of the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide Prepared by Mr. B. Whitaker, U.N. ESCOR, Human Rights Sub-Commission on the Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, 38th Session, at 37, 40, U.N. Doc. E/CN.4/Sub.2/1985/6 (1985).

76. Morsink, *op. cit.*, p. 1055.

77. Lippman, Matthew, "The Drafting of the 1948 Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide", 3 *The Boston University International Law Journal*, 1985, pp. 62-63.

78. Lippman, Matthew, "The 1948 Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide: Forty-Five Years Later", 8 *Temple International and Comparative Law Journal*, 38 (1999), p. 177.

تحلیل‌گران، به این نتیجه رسیده‌اند که در جنگ‌های یوگسلاوی سابق، نابودی فیزیکی و فرهنگی، همراه بوده‌اند. این قتل‌ها و تبعیدهای عمده، انگیزهٔ نژادی داشت و همراه با آن، هزاران مسجد، کلیسا، موزه، کتابخانه و خانه‌های باستانی به‌طور منظم، نابود می‌شد.^{۷۹} پیشنهاد‌های بسیاری که در مورد این مفهوم در طول نیم‌قرن گذشته به ملل متحد ارائه شده است، معیارهایی را برای آن ارائه می‌دهد که فصل مشترک همه آن‌ها، پیوند اساسی ژنوسید فرهنگی با ژنوسید فیزیکی و زیستی و نیز لزوم وجود قصد است. اما ملل متحد، این پیشنهادها را قبول نمی‌کند و نشان می‌دهد که جرمی تحت عنوان ژنوسید فرهنگی وجود ندارد و این مفهوم به‌طور دقیق قابل استنباط نیست.^{۸۰} از این رو ویلیام شابات معتقد است که هرچند ممکن است خلع کردن راهبه‌های بودایی و سرکوبی چم‌های مسلمان در زمان خمرهای سرخ کامبوج، جرایم علیه بشریت باشد، یا به‌عنوان «آزار بر اساس زمینه‌های مذهبی، نژادی یا سیاسی» در طول جنگ تعریف شود و همچنین ممکن است ناقض تعهدات حقوق بشری به‌موجب میثاق حقوق مدنی و سیاسی باشد، این اعمال نمی‌تواند ژنوسید محسوب شود.^{۸۱} او استدلال خود را بر اساس ماده ۲ کنوانسیون منع ژنوسید بنا می‌کند.

از باب قصد نیز کنوانسیون ژنوسید، بسیار دقیق عمل می‌کند. به‌موجب کنوانسیون، «قصد و نیتی بسیار خاص» لازم است که آن تنها قصد کشتن یا نابودی مردم نیست بلکه علاوه بر آن، قصد کشتن یا نابودی آن‌ها به این دلیل که یک گروه خاص را تشکیل می‌دهند نیز لازم است.^{۸۲} ژنوسید، جرمی عمدی، حساب‌شده، نظام‌مند و با سوءنیت است که رهبران سیاسی یک دولت، اجازه آن را داده‌اند و بنابراین جرم مزبور از بی‌رحمی‌ها و قساوت‌هایی نظیر پاک‌سازی نژادی متمایز است.^{۸۳}

کمیسیون حقوق بین‌الملل متذکر شده است که در خصوص ژنوسید، «نابودی مدنظر، نابودی مادی یک گروه، چه به طریق فیزیکی چه از راه بیولوژیکی است».^{۸۴} همان گونه که دو تن از محققان نیز می‌گویند: «حذف یک فرهنگ، زبان، مذهب و نظیر آن‌ها پدیده‌ای است که در تحلیل

79. Sautman, Barry, "Cultural Genocide and Tibet", *Texas International Law Journal*, vol. 38: 173, 2003, p. 184.

80. *Ibid.*, p. 185.

81. Schabas, William A., "Problems of International Codification; Were the Atrocities in Cambodia and Kosovo Genocide?", 35 *New England Law Review*, 287, 2001, p. 291.

82. Koskeniemi, Martti, "Evil Intention or Vicious Acts: What is Prima Facie Evidence of Genocide?", in *Helsinki: Finnish Branch of the International Law Association, Liber Amicorum Bengt Broms* 180, p. 182 (Matti Tupamaki (Ed.), 1999).

۸۳. در خصوص پاک‌سازی قومی، عمل به قصد راندن افرادی خاص به بیرون از یک قلمرو صورت می‌گیرد، نه به قصد انقراض یا نابودسازی کامل آن‌ها.

84. Report of the International Law Commission on the Work of Its Forty-Eighth Session, U.N. GAOR, 51st Session, Supp. No. 10, at 90, U.N. Doc. A/51/10 (1996).

نهایی، متفاوت از براندازی یا انقراض فیزیکی یک گروه است.^{۸۵} ویلیام شابات نیز بیان می‌کند که در پرتو کنوانسیون منع ژنوسید، تا زمانی که ژنوسید فرهنگی به ژنوسید فیزیکی یا بیولوژیکی وابسته نباشد، غیرممکن به نظر می‌رسد که بتوان آن را جرم قابل مجازات دانست.^{۸۶}

در نهایت، به‌رغم اینکه برخی نویسندگان، ژنوسید فرهنگی را نوعی ژنوسید می‌دانند،^{۸۷} واقعیت‌های حقوق بین‌الملل کنونی و آن‌هم با در نظر گرفتن دکترین‌های نوین، تنها تا آستانه‌ای محدود می‌تواند این جرم را شناسایی کند. این آستانه تا این حد است که اعمال علیه فرهنگ و عناصر فرهنگی، تنها زمانی جرم شناخته می‌شود که به‌عنوان دلیلی بر ژنوسید فیزیکی جلوه کند. به عبارت دیگر، عملی که تحت عنوان ژنوسید فرهنگی بیان می‌شود، در واقع، جرمی به‌موجب حقوق بین‌الملل نیست، مگر زمانی که عمل مزبور، بخشی از یک برنامه برای امحا و انقراض گروهی خاص بوده و با این قصد انجام شود.^{۸۸} در ژنوسید، اعم از فیزیکی یا فرهنگی، برنامه‌ریز یا طراح این جرم باید انگیزه نژادپرستانه یا تبعیض‌آمیز داشته باشد و در کل از آن استفاده کند و در جایی که این امر موجود نباشد، عمل رخ داده، ژنوسید نیست.^{۸۹}

نتیجه

حقوق بین‌الملل موضوعه کنونی، اعم از معاهده‌ای و عرفی، تاب پذیرش دقیق و کامل مفهوم ژنوسید فرهنگی را ندارد و این واقعیت از بررسی اسناد و قواعد حقوق بین‌الملل، رویه قضایی و عملکرد دولت‌ها به‌روشنی پیداست. کنوانسیون منع ژنوسید و دیگر کنوانسیون‌های الزام‌آور بین‌المللی، این مفهوم را شناسایی نکرده‌اند و حتی در قالب تفسیر و توسعه حقوق نیز نمی‌توان پدیداری این مفهوم را به آن اسناد نسبت داد. بنابراین، در اسناد بین‌المللی الزام‌آور یا حقوق بین‌الملل عرفی، عنوان ژنوسید فرهنگی موجود نیست. این مفهوم، تنها در سند حمایت از مردم بومی ملل متحد که - نموداری از حقوق نرم و قوام‌نیافته است - دیده می‌شود و البته سازمان‌های بین‌المللی و سیاستمداران، به انحای مختلف، آن را عنوان می‌کنند^{۹۰} اما شکل الزام‌آور به خود نمی‌گیرد.

85. Chalk, Frank, Jonassohn, Kurt, *The History and Sociology of Genocide: Analyses and Case Studies*, New Haven: Yale University Press, 1990, p. 23.

86. Schabas, William A., *Genocide in International Law: The Crimes of Crimes*, Cambridge University Press, 2000, p. 187.

87. Tinker, George E., *Missionary Conquest: The Gospel and Native American Cultural Genocide*, Fortress Press & Minneapolis, 1993, p. 6; Mark A. Michaels, "Indigenous Ethics and Alien Laws: Native Traditions and the United States Legal System", 66 *Fordham Law Review*, 1998, pp. 1569-1570; Julie C. Lythcott-Haims, "Where Do Mixed Babies Belong? Racial Classification in America and Its Implications for Transracial Adoption", 29 *Harvard Civil Rights-Civil Liberties Law Review*, 1994, p. 551.

88. George J. Andreopoulos, "Introduction: The Calculus of Genocide", in *Genocide: Conceptual and Historical Dimensions* (George J. Andreopoulos (Ed.), 1994, pp. 1-27.

89. Schabas, *op. cit.*, p. 255.

90. Leon, *op. cit.*, p. 58.

با وجود این، فقدان ژنوسید فرهنگی در نظام حقوقی بین‌المللی، محدوده و کاربرد این مفهوم را در قالب اجزای ژنوسید فیزیکی (همان طور که در مقدمه آمد) منحصر می‌کند و همراه با نابودی فیزیکی یک گروه که بیشتر در مورد مردم بومی مطرح است، دیده می‌شود. کما اینکه این امر، همان گونه که در یافته‌های دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق دیده می‌شود، نافی اهمیت موضوع در هنگام تحلیل عناصر نابودسازی غیرفیزیکی و فرهنگی برای ژنوسید نیست.^{۹۱} یعنی این عمل تنها در صورتی که بتواند دلیلی بر قصد نابودی فیزیکی گروه باشد، قابل تعقیب می‌شود.

بنابراین، باید به این واقعیت اذعان کرد که نظم کنونی حقوق بین‌الملل، توان آن را ندارد که مفهوم ژنوسید فرهنگی را به عنوان عمل مجرمانه بپذیرد و شناسایی کند. اما با توجه به پدیده‌های کنونی جهان، نظیر داعش، وقت آن است که در ساختار کنونی حقوق بین‌الملل برای چنین امری تلاش شود. این مقاله در صدد بود تا امکان شناسایی و رخنه این مفهوم را در حقوق بین‌الملل بسنجد. بر این اساس، باید ابتدا بیان کرد که مفهوم ژنوسید فرهنگی لزوماً نباید با این دقت و اختصاص بیان شود، بلکه می‌تواند اقداماتی با موضوع مقابله با «نابودسازی فرهنگی» یا «حمایت در برابر نابودی فرهنگ‌ها»^{۹۲} جهت مقابله با پدیده‌های گفته شده را نیز در بر بگیرد. از طرف دیگر، از آنجاکه یکی از عناصر بنیادی جرم ژنوسید، «کشتن» است، شاید «ژنوسید فرهنگی» دقیق‌ترین معادل و اصطلاح برای پدیده بیان شده در بند ۲ مقاله حاضر نباشد، اما بی‌تردید، نزدیک‌ترین مفهوم به آن است.

با تکیه بر رویکرد حمایتی و نوین مقاله، باید مسائلی را یادآور شد؛ از جمله اینکه یکی از اهداف اصلی ملل متحد، همواره امحای کلیه اشکال تبعیض بوده است. اگر این امر قابل دستیابی است و چنانچه گام‌های جامعه بین‌المللی در این مسیر استوار است، پس خطر از بین رفتن فرهنگ یک ملت بر مبنای تبعیض، توجه بیشتری را می‌طلبد.^{۹۳} علاوه بر آن، احترام به فرهنگ‌های مختلف و متفاوت، نه تنها موجب ترویج و بهبود صلح و تفاهم می‌شود، بلکه با ترقی دیگرپذیری، موجب پایداری، ثبات و تقویت جوامع مدنی می‌شود. فرهنگ، بیانگر تجربیات متفاوت، روش‌های مختلف برای رویارویی با موانع و مشکلات و راه‌های متفاوت برای حمایت از کرامت بشر است. با نظر به این راه‌های متنوع و متعدد، می‌شود دانش گسترده‌ای به نفع بشریت داشت. بر این اساس، حذف و محو فرهنگ‌هایی خاص، به زیان کل جهان خواهد بود.^{۹۴} همچنین، همان طور که در اساسنامه رم تحت عنوان «جنایات فجیع علیه انسانیت» دیده می‌شود، می‌توان بر این بود که این جرم،

91. Mako, *op. cit.*, p. 190.

92. Propodsed by: Daphne Anayiotos in *Ibid.*, p. 17.

93. Anayiotos, *op. cit.*, p. 15.

94. *Ibid.*, p. 16.

مفهوم «نابودسازی فرهنگی» را نیز دربرگیرد.^{۹۵}

عمده اعمالی که شکل ژنوسید فرهنگی به خود می‌گیرد، فارغ از اینکه نام آن‌ها چه باشد، عبارت‌اند از: امحای نهادهای آموزشی اقلیت‌ها، متوقف‌ساختن زبان‌های اقلیت، تحریف اطلاعات تاریخی و آمارهای جمعیتی، ضبط یا توقیف آرشیوهای فرهنگی، قطع روابط با خویشاوندان خارج از کشور و انحلال اجتماعات قومی. اگر نتوان نام این اعمال را ژنوسید فرهنگی نهاد، قطعاً نابودسازی و اضمحلال فرهنگ را در پی خواهد داشت که دست‌کم، نقض تعهد مندرج در ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی خواهد بود.^{۹۶} تنها از منظر کنوانسیون که فهرست اعمال منتهی به ژنوسید را بیان می‌کند، اعمال فوق‌الذکر می‌تواند مثال‌هایی برای نابودسازی فرهنگ باشد. لازم است که این اعمال به‌عنوان اعمالی مجرمانه که علیه تمدن بشریت صورت می‌گیرد جرم‌انگاری شود. این اعمال آن‌قدر مهم و سنگین است که سزاوار مجازاتی نظیر مجازات جرایم علیه بشریت است. ضمن اینکه این حقیقت تلخ را نمی‌توان منکر شد که نابودسازی و اضمحلال فرهنگی در طول سال‌ها همواره رخ داده است و این تکلیف بشریت است که فرهنگ‌ها و نشان‌های فرهنگی را از این آفت خانمان‌سوز در امان نگه دارد.^{۹۷} بنابراین، عدم جرم‌انگاری ژنوسید فرهنگی، بخصوص باوجود واقعیت‌های عصر حاضر، خلاً حقوقی محسوب می‌شود و از این‌رو این مقاله در صدد یافتن راه‌حلی برای جبران این نقیصه بود و مشاهده شد که در حقوق بین‌الملل کنونی، ظرفیت‌هایی برای پذیرش مفهوم ژنوسید فرهنگی وجود دارد و روزه‌های امیدی برای جای‌گرفتن این مفهوم در نظم نوین حقوقی دیده می‌شود؛ هرچند به زمان‌بر بودن و صعوبت آن اذعان می‌شود.

95. Hatchell, Michael P., "Closing the Gaps in United States Law and Implementing the Rome Statute: A Comparative Approach", 12 *ILSA Journal of International and Comparative Law* (2005), p. 194.

96. "Will United States Endorse Cultural Genocide in Romania", *New York Times*, May 7, 1976, Section 1, p. 15.

97. نگارندگان، همسو با برخی اندیشمندان خاطرنشان می‌کنند که اکنون زمان آن است که جامعه جهانی متحد شده و عهدنامه یا کنوانسیونی در مقابله با این معضل منعقد کند. در این میان، نقش ملل متحد یا هر گروهی از دولت‌ها مانند اتحادیه اروپایی می‌تواند تعیین‌کننده باشد. (Anayiotos, *op.cit.*, p. 18)

منابع:

الف) فارسی

- کتاب

- آشوری، داریوش؛ تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، آگاه، ۱۳۸۰.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا و همکاران؛ آراء و نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، جلد دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.

- مقاله

- حق‌شناس، فرامرز؛ «تعاریف فرهنگ، نقش فرهنگ در نظام اجتماعی و فرهنگ سازمانی»، نشریه دانشگاه انقلاب، شماره ۹۸ و ۹۹، تابستان و پاییز ۱۳۷۳.
- راعی، مسعود و سیدعلی حسینی‌آزاد؛ «نگاهی به رویه و عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در زمینه ادعاهای نقض حقوق و آزادی‌های دینی»، مجموعه مقالات همایش جایگاه ادیان الهی در نظام‌های حقوقی، دانشیاران ایران، ۱۳۹۴.
- مقصودی، محمدعلی؛ «سیستم حقوقی و مراحل تنفیذ قانون در افغانستان»، مجموعه مقالات همایش حمایت از اموال فرهنگی و تاریخی در حقوق بین‌الملل، شهر دانش، ۱۳۹۱.

ب) انگلیسی

- Books

- Campbell, Kenneth J., *Genocide and the Global Village*, Palgrave Macmillan, 2001.
- Chalk, Frank, Jonassohn, Kurt, *The History and Sociology of Genocide: Analyses and Case Studies*, New Haven: Yale University Press, 1990.
- Chehata, Hanan, *The Cultural Genocide of Palestine*, Published by Middle East Monitor, London, 2010.
- Fournet, Caroline, *The Crime of Destruction and the Law of Genocide: Their Impact on Collective Memory*, Farnham: Ashgate Publishing, 2007.
- Kinloch, Graham C., & Mohan, Raj P. (eds.), *Genocide: Approaches, Case Studies, and Responses*, New York, Algora Publishing, 2005.
- Kuper, Leo, *Genocide: Its Political Use in the Twentieth Century*, Yale University Press, 1981.
- Lemkin, Raphaël, *Axis Rule in Occupied Europe: Laws of Occupation, Analysis of Government, Proposals for Redress* (Washington, D.C.: Carnegie Endowment for International Peace, Division of International Law, 1944.
- O'Keefe, Roger, *The Protection of Cultural Property in Armed Conflict*,

Cambridge University Press, USA, 2006.

- Porter, J. N. (ed.), *Genocide and Human Rights, A Global Anthology*, Washington, DC: University Press of America, 1982.
- Schabas, William A., *Genocide in International Law: The Crimes of Crimes*, Cambridge University Press, 2000.
- Tinker, George E., *Missionary Conquest: The Gospel and Native American Cultural Genocide*, Fortress Press & Minneapolis, 1993.
- Tylor, Edward, *Primitive Culture: Researches into the Development of Mythology, Philosophy, Religion, Art, and Custom*, vol. 1, 6th Ed.
- Vrdoljak, Ana Filipa, *International Law, Museums, and the Return of Cultural Objects*, Cambridge: Cambridge University Press, 2006.

- Articles

- Andreopoulos, George J., "Introduction; The Calculus of Genocide", in *Genocide: Conceptual and Historical Dimensions* (George J. Andreopolous (ed.), 1994).
- Anayiotos, Daphne, "The Cultural Genocide Debate: Should the UN Genocide Convention Include a Provision on Cultural Genocide, or Should the Phenomenon be Encompassed in a Separate International Treaty", 22 *The New York University Law Review*, 2009.
- Francioni, Francesco, and Lenzerini, Federico, "The Destruction of the Buddhas of Bamiyan and International Law", *EJIL* (2003), vol. 14 No. 4.
- Geer, Martin, "Foreigners in Their Own Land: Cultural Land and Transnational Corporations Emergent International Rights and Wrongs," *Virginia Journal of International Law*, vol. 38 (1998).
- Hatchell, Michael P., "Closing the Gaps in United States Law and Implementing the Rome Statute: A Comparative Approach", 12 *ILSA Journal of International and Comparative Law* (2005).
- Herz, Richard L., "Litigating Environmental Abuses under the Alien Torts Claims Act: A Practical Assessment", *Virginia Journal of International Law*, vol. 40, (2000).
- Koivunen, Kristiina, "Cultural Genocide and Fayli Deportation, Examples of Genocide Process in Iraqi Kurdistan", *Journal of Zankoy Sulaimani*, Part B. No. 41, July 2013.
- Koskenniemi, Martti, "Evil Intention or Vicious Acts: What is Prima Facie Evidence of Genocide?", in Helsinki: Finnish Branch of the International Law Association, *Liber Amicorum Bengt Broms* 180, p. 182 (Matti Tupamaki (ed.), 1999).
- Lemkin, Raphaël, "Genocide as a Crime under International Law", *American Journal of International Law*, vol. 41, 1947.
- Leon, Terri, "The Draft Declaration on the Rights of Indigenous Peoples: Three Case Studies," *New England International and Comparative Law*,

Annual 6, 2000.

- Lippman, Matthew, "The 1948 Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide: Forty-Five Years Later", 8 *Temple International and Comparative Law Journal*, 38 (1999).
- Lippman, Matthew, "The Drafting of the 1948 Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide", 3 *The Boston University International Law Journal*, 1985.
- Lythcott-Haims, Julie C., "Where Do Mixed Babies Belong? Racial Classification in America and Its Implications for Transracial Adoption", 29 *Harvard Civil Rights-Civil Liberties Law Review*, 1994.
- Mako, Shamiran, "Cultural Genocide and Key International Instruments: Framing the Indigenous Experience", *International Journal on Minority and Group Rights*, 2012.
- Mark A. Michaels, "Indigenous Ethics and Alien Laws: Native Traditions and the United States Legal System", 66 *Fordham Law Review*, 1998.
- Morsink, Johannes, "Cultural Genocide, the Universal Declaration, and Minority Rights", 21 *HUM. RTS. Q.* 1009, 1019 (1999).
- O'Keefe, Roger, "Protection of Cultural Property under International Criminal Law", *Melbourne Journal of International Law*, vol. 11, 2010.
- Sautman, Barry, "Cultural Genocide in International Context", in Sautman (ed.) *Cultural Genocide and Asian State Peripheries*, Palgrave Macmillan, New York, 2006.
- Sautman, Barry, "Cultural Genocide and Tibet", *Texas International Law Journal*, vol. 38: 173, 2003.
- Schabas, William A., "Problems of International Codification; Were the Atrocities in Cambodia and Kosovo Genocide?", 35 *New England Law Review*, 287, 2001.
- Skutnabb-Kangas, Tove and Bucak Sertac, "Killing a Mother Tongue - How the Kurds Are Deprived of Linguistic Human Rights", in: *Linguistic Human Rights, Overcoming Linguistic Discrimination*. (ed.) Tove Skutnabb-Kangas and Robert Phillipson in collaboration with Mart Rannut. Mouton de Gruyter, Berlin, 1994.
- Van Bruinessen, Martin, "Genocide of the Kurds", in: *The Widening Circle of Genocide, Genocide: a Critical Bibliographic Review*. vol. 3. Edited by Israel W. Charny.
- "Will United States Endorse Cultural Genocide in Romania", *New York Times*, May 7, 1976, Section 1.

- Online Articles

- David Nersessian, "Rethinking Cultural Genocide under International Law Human Rights Dialogue: "Cultural Rights"", *Carnegie Council for Ethics in International Affairs*, 2005.

- Puxley, Chinta, “Aboriginal Adoptees Suing Ottawa for ‘Cultural Genocide’”, *Global News*, February 9, 2015.
- Noradounkian, Emma, “Destroying the Memory of a People: ISIS' Cultural Genocide of Religious Minorities”, An online article published by *Assyrian International News Agency*, available at: <http://mironline.ca> (last visited on: 15/01/2016)
- Nebez, Jemal, “The Kurdish Language from Oral Tradition to Written Language”, Berlin, Germany, 2000. An online article published by *Kurdish Academy of Language*.
- Reuters, Thomas, “ISIS Fighters Destroy Priceless Iraq Antiquities”, *CBC News*, February 25, 2016.

- Instruments

- Ad Hoc Committee on Genocide, Report of the Committee and Draft Convention Drawn up by the Committee, UN ESCOR, UN Doc E/794 (24 May 1948).
- Benjamin Whitaker, Special Rapporteur, Review of Further Developments in Fields with Which the Sub-Commission Has Been Concerned: Revised and Updated Report on the Question of the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide Prepared by Mr. B. Whitaker, U.N. ESCOR, Human Rights Sub-Commission on the Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, 38th Sess., at 37, 40, U.N. Doc.E/CN.4/Sub.2/1985/6 (1985).
- Eighty-Third Meeting, Held at Palais de Chaillot, Paris, on Monday, 25 October 1948, UN GAOR, 6th Comm, 3rd sess, UN Doc A/C.6/SR.83 (25 October 1948) 202.
- Independent Commission on International Humanitarian Issues, and U.N. Special Rapporteur José R. Martínez Cobo).
- Report of the International Law Commission on the Work of Its Forty-Eighth Session, U.N. GAOR, 51st Sess., Supp. No. 10, at 90, U.N. Doc. A/51/10 (1996).
- Report of the International Law Commission on the work of its forty-eighth session, UN Doc A/51/10
- Report of the Secretary-General pursuant to paragraph 2 of Security Council resolution 808 (1993), para. 45, citing Reservations to the Convention on Genocide.
- Summary Record of Meetings, U.N. ESCOR, 7th Sess., Supp. No. 6, at 6, U.N. Doc. E/3/SR.175-225 (1948).
- The Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, adopted by Resolution 260 (III) A of the United Nations General Assembly on 9 December 1948.

-
- The Crime of Genocide, GA Res 96 (I), UN GAOR, 1st sess, 55th mtg, UN Doc A/RES/96(I) (11 December 1946).
 - the United Nations Declaration on the Rights of Indigenous Peoples; adopted by the General Assembly under Resolution 61/295, 107th plenary meeting, 13 September 2007.

- Case Laws

- Application of the Convention of Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (*Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro*), Order of 13 September 1993.
- Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (*Bosnia and Herzegovina v Serbia and Montenegro*) (Merits) [2007] ICJ Rep 4.
- Armed Activities on the Territory of the Congo (New Application: 2002) (*Democratic Republic of the Congo v. Rwanda*), ICJ General List No. 126, Jurisdiction and Admissibility, 3 February 2006.
- *Beanal v. Freeport-McMoran, Inc.*, 197 F.3d 161, 167-169 (United States Court of Appeals, 5th Circuit. 1999).
- *Prosecutor v. Krstic*, IT-98-33-A, Appeals Chamber Judgment, 19 April 2004.
- *Prosecutor v. Krstic*, IT-98-33-T, Trial Chamber Judgment, 2 August 2001.
- Reservations to the Convention on Genocide, Advisory Opinion, ICJ Reports 1951.